

بررسی رابطه انواع دینداری و گرایش به مهاجرت خارج از کشور (دانشجویان همه مقاطع دانشگاه علامه طباطبایی)

سعید زارع*

سیده حکیمه هاشمی**

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور بوده است. روش تحقیق از نوع پیمایشی است و جامعه آماری دانشجویان همه مقاطع دانشگاه علامه طباطبایی است و حجم نمونه ۳۲۱ نفر و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است. در این تحقیق برای بررسی نوع دینداری از ترکیب نظریه‌های جمعی از صاحب‌نظران بهره برده‌ایم و انواع دینداری عامیانه، سنتی، متجددانه، سکولار، لائیک، و ترکیبی را مناسب جامعه آماری یافته‌ایم. هم‌چنین از تئوری «تفاوت‌ها» و «سرمایه بومی» برای تبیین مهاجرت دانشجویان استفاده کرده‌ایم. نتایج تحقیق نشان داد که میزان گرایش دانشجویان به مهاجرت متوسط رو به بالاست، به طوری که ۴۶/۸ درصد دارای گرایش متوسط و ۳۰/۶ درصد دارای گرایش بالا بودند. یافته‌ها بیان‌گر آن است که بین انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، سرمایه بومی، تفاوت‌ها، تجددگرا، سکولار، لائیک.

۱. مقدمه

پدیده مهاجرت یکی از مسائل مهم اجتماعی است که جامعه‌شناسان و محققان مسائل اجتماعی در پی یافتن متغیرهای تأثیرگذار در آن‌اند.

در طبقه‌بندی انگیزه‌های مهاجرتی (Picouet, 1975)، علاوه بر عوامل ارادی که اغلب جنبه اقتصادی دارد و شامل پیدا کردن کار و کار بهتر، ایجاد مراکز صنعتی و تجاری و سایر انگیزه‌های شغلی است، به انگیزه‌های متعددی چون انگیزه‌های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار و تغییر وضعیت زناشویی هم‌چنین به انگیزه‌های سیاسی و تاریخی اشاره شده است که بخش عمده‌ای از آن‌ها به دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می‌شود (زنجان، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

از میان انواع مهاجرت، مهاجرت نخبگان و فرهیختگان، به‌علت سودمندی این قشر از جامعه در رشد و توسعه هر کشور، بسیار اهمیت دارد. ایران دیری است که با پدیده مهاجرت نخبگان مواجه شده است. این پدیده تقریباً از دهه چهل در ایران ظهور یافته و طی این چند سال فراز و فرود چشم‌گیری داشته است. به طوری که در سال‌های اخیر با موج جدید مهاجرت نخبگان مواجه بوده‌ایم.

از طرف دیگر، یکی از ویژگی‌های مهم جامعه ایران دینی‌بودن آن است و تقریباً همه تحقیقات علمی درباره بررسی دینداری در ایران بر این نکته تأکید دارد. تحقیقاتی نیز که درباره بررسی دینداری دانشجویان انجام شده است بالابودن سطح دینداری آنان را نشان داده است؛ البته تحقیقات درباره نوع دینداری دانشجویان بیان‌گر آن است که نوع دینداری آنان متنوع است. به عبارتی، با انواع دینداری در میان قشر فرهیخته و نخبه کشور مواجه‌ایم. مسئله ما این است که آیا این تنوع دینداری نخبگان و دانشجویان در نگرش آنان به مهاجرت خارج از کشور تأثیرگذار بوده است؟ نظریه‌ها درباره انواع دینداری و مهاجرت نخبگان به تأثیر دینداری در گرایش به مهاجرت اشاراتی دارد. در این تحقیق در پی آن‌ایم که تأثیر انواع دینداری دانشجویان ایران در گرایش آنان به مهاجرت را بررسی کنیم.

۲. ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت این تحقیق بر این اساس است که تأثیر متغیر فرهنگی - اجتماعی دینداری در گرایش دانشجویان به مهاجرت بررسی شود که هم از نظر شناختی و هم کاربردی از اهمیت بالایی برخوردار است. از لحاظ شناختی رابطه بین دینداری، به‌منزله

سرمایه بومی، و گرایش به مهاجرت کم‌تر بررسی شده است پس این تحقیق می‌تواند در شناخت بیش‌تر این موضوع ما را یاری کند. ضرورت کاربردی این تحقیق از آن‌جا حاصل می‌شود که اگر رابطه‌ای معنادار میان نوع دینداری و گرایش به مهاجرت بین افراد تحصیل‌کرده اثبات شود، با گنجاندن برنامه‌هایی خاص در دستور کار سازمان‌های مربوط، با توجه به نوع دینداری و گرایش متفاوت هر نوع دینداری به مهاجرت، می‌تواند اقدامات مقتضی انجام گیرد. از آن‌جا که نخبگان علمی و فکری هر جامعه عامل اصلی توسعه و محرک واقعی تحول‌های سازنده محسوب می‌شوند و مسیر اصلی و حرکت واقعی جامعه را ترسیم می‌کنند و برنامه‌ریزی غیرعلمی برای این نیروها مقدمات اختلال در شکوفایی و توسعه کشور را فراهم می‌کند، ضرورت دارد پدیده مهاجرت نخبگان به‌دقت مطالعه و بررسی شود و سیاست‌های متناسب برای کنترل و هدایت این امر اتخاذ شود.

۳. طرح مسئله و سؤالات تحقیق

ایران دیری است که با پدیده مهاجرت نخبگان مواجه است. در تأملی دیرینه‌شناختی اگرچه نمی‌توان آغازی برای این پدیده به‌ثبت رساند، اما می‌توان گفت که تقریباً از دهه چهل در ایران ظهور و روزبه‌روز گسترش یافته و در دهه اول انقلاب اسلامی کاهشی محسوس در روند آن حاصل شده است و در سال‌های اخیر، دوباره بارور و شکوفا شده و موج جدید و توفنده‌ای را در این عرصه موجب شده است (جعفری‌معطر، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۴).

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه ایران دینی‌بودن آن است و تقریباً همه تحقیقات علمی درباره بررسی دینداری در ایران بر این نکته تأکید دارد (رجب‌زاده، ۱۳۷۹؛ نیک‌پی، ۱۳۸۲؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ میرسندسی، ۱۳۸۳؛ توسلی، ۱۳۸۵؛ شایگان، ۱۳۸۶؛ زارع، ۱۳۹۱). با این حال، تحلیل‌های نظری بیان‌گر آن است که در جوامع در حال گذار دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دست‌خوش تحول‌های گسترده‌ای می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳). دینداری در جامعه ایران هم از این تحول مستثنی نیست. برگر این تغییرات را نخستین‌بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته دنبال می‌کند و دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه بر عهده دارد، به نظر وی، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود. بنابراین، می‌توان دانشجویان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیش‌ترین تأثیر را از دانشگاه می‌پذیرند (زارع، ۱۳۹۱: ۸). این بدین معنا نیست که با رواج آگاهی مدرن بین دانشجویان ضرورتاً از سطح دینداری آنان کاسته می‌شود، اما

به احتمال بسیار نوع نگرش آنان به دین و گرایش‌های دینی تغییر می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵). بنابراین، مشاهده می‌کنیم که برخی از نظریه‌پردازان و متفکران بر سبک‌های دینداری و گوناگونی آن در واقعیت اجتماعی تأکید کرده‌اند (وبر، ۱۳۸۹؛ Yinger, 1970؛ McGuire, 1997؛ فورست، ۱۳۹۰؛ سروش، ۱۳۷۸؛ نیک‌پی، ۱۳۸۴). هم‌چنین، در تحقیقات و مطالعات انجام‌شده درباره دینداری دانشجویان ایرانی به همین امر اشاره شده است (رجب‌زاده، ۱۳۷۹؛ میرسندسی، ۱۳۸۳؛ توسلی، ۱۳۸۵؛ شایگان، ۱۳۸۶؛ زارع، ۱۳۹۱). بنابراین نتایج این تحقیقات می‌توان گفت که دانشجویان، نه تنها از نظر سطح دینداری با یک‌دیگر متفاوت‌اند، بلکه از نظر نوع دینداری نیز متنوع‌اند و در این تحقیق به دنبال آن‌ایم که تأثیر انواع دینداری در گرایش دانشجویان به مهاجرت را بررسی کنیم.

براساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده در کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، آمارهای وضعیتی به این شرح است: طبق سرشماری سال ۱۹۹۰ در آمریکا حدود ۲۲۰ هزار نفر خود را ایرانی‌الاصل معرفی کرده‌اند که حدود ۷۷ درصد آنان تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند (پورسلطان، ۱۳۷۴: ۱۲-۱۶). براساس آمار سازمان ملل در سال ۱۹۹۳، حدود ۲۴۰ هزار نفر ایرانی دارای تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند (جعفری‌معطر، ۱۳۸۷: ۱۵). از حدود صد هزار نفر ایرانی مقیم آلمان و صد هزار نفر دیگر مقیم فرانسه حدود ۶۰ درصد آنان تحصیلات عالی دارند (موسوی زارع، ۱۳۷۸: ۷۶). از طرف دیگر، مهاجرت‌ها زمینه لازم را برای تغییرات فرهنگی - اجتماعی پدید می‌آورد. براساس یافته‌های توسلی (۱۳۸۰) مهاجرت در نوع دینداری و شدت و ضعف آن در اروپا، ژاپن، و آمریکا تأثیر گذاشته و دینداری را کم‌رنگ‌تر کرده و حتی گاهی به تغییر دین منجر شده است. پرسش ما در این تحقیق دقیقاً نقطه مقابل این مطلب است، یعنی آیا نوع دینداری در گرایش دانشجویان به مهاجرت تأثیرگذار است؟

تحقیق‌ها و مطالعه‌های بسیاری در زمینه علل و عوامل گرایش افراد تحصیل‌کرده به مهاجرت از کشور انجام گرفته است که این تحقیق‌ها برای روشن کردن ابعاد گوناگون این پدیده کافی نیست؛ بر همین اساس، در این تحقیق سعی شد از منظری جدید به مسئله مهاجرت نگرسته و نقش تسهیل‌کننده و بازدارنده متغیر نوع دینداری در مهاجرت نخبگان و دانشجویان بررسی شود و دریابیم که آیا نوع دینداری دانشجویان در گرایش آنان به مهاجرت تأثیرگذار است؟ چه رابطه‌ای بین انواع دینداری و گرایش دانشجویان به مهاجرت وجود دارد؟

۴. پیشینه تحقیق

رابطه انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور با متغیرهایی چون دینداری، انواع دینداری، و مهاجرت نخبگان و دانشجویان سنجیده می‌شود. تحقیق‌های متعددی درباره هر یک از این موضوعات انجام گرفته است، اما تعداد پژوهش‌هایی که دو متغیر «انواع دینداری دانشجویان» و «گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور» را توأمان بررسی کرده باشد بسیار کم و معدود است. در ذیل برخی از تحقیق‌های انجام‌شده در ایران و کشورهای دیگر را بررسی می‌کنیم. شایان ذکر است که در هیچ‌یک از این تحقیق‌ها رابطه این دو متغیر بررسی نشده است.

مایرز (Myers, 2000) تحقیقی را با نام «تأثیر مشمولیت دینی بر مهاجرت» در سطح ملی انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عضویت و مشارکت در سازمان‌های دینی در مهاجرت به خارج از کشور تأثیر می‌گذارد.

جواهری و سراج‌زاده (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور» نمونه‌ای ۱۵۲۲ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های ایران را با روش تحلیل ثانویه بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد ۵۹/۵ درصد از دانشجویان در سطح متوسط و ۱۷/۵ درصد در سطح زیاد گرایش به مهاجرت از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آنان درصدد مهاجرت نیستند. نقش دو متغیر «پای‌بندی به جامعه ملی» و «دینداری» به‌منزله عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به‌منزله عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت از نظر آماری تأیید شدند.

هوشنگی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه انواع دینداری و ابعاد نظام شخصیت در شهر قم» آورده است: پنج نوع دینداری شامل دینداری معیشتی، دینداری اقتداری، دینداری مردم‌گرا، دینداری معنویت‌گرا، و دینداری شناخت‌گرا و شش بُعد شخصیت شناسایی شده‌اند. آنچه از نتایج این تحقیق به‌دست آمد این بود که گرچه میزان هر نوع دینداری متأثر از بُعد هم‌سنخ آن در نظام شخصیت است، اما این رابطه در خصوص بُعد غالب این دو متغیر معنادار نیست. به علت این که با افزایش خصیصه‌های شخصیتی در هر بعد نوع خاصی از دینداری در فرد بیش‌تر ظهور می‌یابد، اما بعد غالب دینداری‌ها و ابعاد غالب شخصیت بر یک منوال نیست؛ یعنی در نمونه مورد نظر برخی دینداری‌ها میانگین نمره بالایی دارند در صورتی که بعد غالب شخصیت در جامعه چیز دیگری است (هوشنگی، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

موحد و نیازی (۱۳۸۷) در مقاله خود، با عنوان «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان»، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای احساس تعلق به وطن، بعد پیامدی دینداری، و نگرش به جایگاه علم و پژوهش در ایران با گرایش به مهاجرت دارای رابطه معنادارند و ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

جعفری‌نیا و بذرافشان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت؛ مطالعه موردی شهر ایلام» به این نتیجه رسیدند که متغیر وابسته مستقیماً تحت تأثیر متغیرهای فرهنگ‌پذیری در مقصد، گرایش‌های مذهبی، شبکه‌های اجتماعی، تحصیلات، امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی، رفتار مردم در مقصد، مدت اقامت، و جنسیت قرار گرفته است و در مجموع این متغیرها توانسته است مقدار ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

۵. روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شد. تحقیق پیمایشی بهترین روش برای آن دسته از پژوهندگان اجتماعی است که علاقه‌مند به جمع‌آوری داده‌های اصلی برای توصیف جمعیت‌های بسیار بزرگی‌اند که نمی‌توان به‌طور مستقیم آن‌ها را مشاهده کرد. با نمونه‌گیری احتمالی دقیق می‌توان گروهی از پاسخ‌گویان را فراهم آورد که ویژگی‌های آنان منعکس‌کننده ویژگی‌های جمعیت بزرگ‌تر باشد و پرسش‌نامه‌های استانداردشده دقیق داده‌هایی را به‌دست می‌دهد که با داده‌هایی که از همه پاسخ‌گویان به‌دست می‌آید شباهت دارد. هم‌چنین، پیمایش‌ها وسیله بسیار خوبی برای سنجش نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها در جمعیت‌های بزرگ است (ببی، ۱۳۹۰: ۵۵۱-۵۵۲). ویژگی‌های بارز پیمایش عبارت است از شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها (دِواس، ۱۳۷۶: ۱۳).

به این ترتیب، با توجه به واحد تحلیل که فرد است و حجم نمونه آماری، از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی است که براساس آمار سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲ تعداد هفده هزار نفر در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به‌دست آمد و با در نظر گرفتن اطمینان، ۳۲۱ نفر نمونه انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها نمونه‌گیری طبقه‌ای بود.

۶. ملاحظات نظری

در نظریه تفاوت‌ها به این نکته اشاره شده است که گاهی انگیزه‌رهایی از تعصبات و آزادی مذهبی یا سیاسی موجب مهاجرت می‌شود (Encarta, 2008: 9) به نقل از قاسمی و قربانیان، ۱۳۸۹: ۱۹۷). از طرف دیگر، فرهنگ خانواده هم می‌تواند عامل مهمی در انتخاب مقصد مهاجرت باشد، چنان‌که مورمون‌ها در انتخاب مقصد مهاجرت به این نکته توجه داشتند (kontuly, 1955: 79). فوکوداپار در این باره می‌گوید برخی مهاجران دوست دارند که هویت فرهنگی آنان حفظ شود و حاضر به ازدست‌دادن این هویت نیستند و سعی در حفظ رابطه خود با فرهنگ اصلی دارند و در این راه برای مشخص کردن تفاوت‌ها دست به مبارزه می‌زنند. مهاجرت در باورهای فرد مهاجر تأثیرگذار است و یکی از این باورها نیز عقاید دینی است. به طوری که در بسیاری از موارد فرد در انتخاب مقصد مهاجرت، به جز فرصت‌های خاص، به آزادی عمل با فرهنگ و درجه تعصب منطقه مورد نظر توجه دارد، چنان‌که در نظریه تفاوت‌ها نیز به این امر اشاره شد، مثلاً فردی که در عقاید مذهبی تعصب خاصی دارد ترجیح می‌دهد به منطقه‌ای مهاجرت کند که عقاید او در آن جامعه مقبول است و رعایت می‌شود؛ چراکه می‌داند این مهاجرت در عین فوایدی که برای او دارد در افراد خانواده و وضعیت دینداری‌شان نیز تأثیرگذار است، که از نظر شخص مهاجر ممکن است مثبت یا منفی باشد و با توجه به این امر مبادرت به مهاجرت خواهد کرد. این امر درباره فردی که تعصب مذهبی ندارد بالعکس عمل می‌کند. بنابراین، می‌توان براساس دیدگاه‌های فوق‌الذکر به این نتیجه رسید که مهاجرت در بسیاری از ابعاد زندگی فرد مهاجر تأثیرگذار است، یکی از این ابعاد نیز باورها و اعتقادهای دینی است که می‌تواند از عوامل مهم در تصمیم‌گیری فرد برای مهاجرت باشد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۳).

داوانزو در نظریه سرمایه بومی بر این عقیده است که مجموعه‌ای از کالاها و اموال وجود دارد که بعد از مهاجرت امکان حفظ یا دسترسی به آن‌ها نیست و آن‌ها را سرمایه بومی می‌نامد (Da Vanzo, 1981). سرمایه‌های بومی در منطقه مادر بیش‌ترین ارزشمندی را دارند؛ به طوری که انتقال و یافتن جانشین برای آن‌ها در کشور و منطقه‌ای دیگر امری بسیار دشوار و یا حتی محال است. بر این اساس، داوانزو معتقد است دین نیز نوعی سرمایه بومی است که جابه‌جایی و مهاجرت افراد انتقال آن را به کشور مقصد دشوار می‌کند. هرچند ممکن است در کشور جدید بافت دینی مشابهی شکل گیرد، اما جانشین کردن آن در آن‌جا کاری مشکل و زمان‌بر است. این موضوع به‌ویژه برای کسانی که

بهره بیش تری از دین دارند از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ به طوری که توانایی آن‌ها را برای حفظ دین و عمل به آن کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، مشارکت در سازمان‌های دینی شبکه‌هایی اجتماعی تشکیل می‌دهد که صمیمیت و ارتباط نزدیک ویژگی بارز آن است. اعضای این شبکه‌ها با حضور در آن‌ها علاوه بر این‌که باورها و مناسک دینی خود را تقویت می‌کنند حمایت‌های اجتماعی متعددی را نیز دریافت می‌کنند. بدین ترتیب، داوانزو بر این باور است که مهاجرت نه فقط افراد را از مکان عبادت خود جدا می‌کند، بلکه موجب جدایی اعضا از شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در بافت دینی می‌شود و در نتیجه به از دست دادن حمایت‌های متقابل اعضا منجر خواهد شد (Myers, 2000: 768). بنابراین، تصمیم و تمایل به مهاجرت با میزان پای‌بندی دینی افراد رابطه دارد؛ بدین معنا افرادی که از میزان دینداری بیش تری برخوردارند کم تر تمایل و گرایش به مهاجرت و جابه‌جایی دارند. بنابراین، با توجه به نظریه داوانزو، می‌توان چنین اظهار داشت که فرهنگ نیز خاصیتی بومی دارد، چراکه انتقال آن به کشوری غیر از کشور مادر و نیز یافتن جانشینی برای آن در کشور جدید امری بسیار دشوار و یا حتی محال است. افرادی که به فرهنگ ملی خود دل‌بستگی و تعلق بیش تری دارند کم تر تمایل به ترک این تعلقات و جدایی از ارزش‌های فرهنگی خود دارند؛ به عبارت دیگر، با توجه به ویژگی بومی بودن فرهنگ، هر چه بهره افراد از این سرمایه بومی بیش تر باشد، از آن‌جا که احتمال یافتن بافت فرهنگ خودی در کشور جدید بسیار ناچیز یا حتی غیرممکن است، افراد گرایش کم تری به ترک وطن و فرهنگ خود دارند (موحد و نیازی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۹).

پیتر برگر با ارائه نظریه سکولاریزاسیون (desecularization) در اواخر دهه نود نظریه سکولاریزاسیون را رد می‌کند. او معتقد بود که در جوامع سنتی همه فرآیندهای نهادی در جامعه و همه تجربه‌های افراد نمادها و باورهای دینی را تأیید می‌کردند، اما به علت کثرت زیست‌جهان‌ها، تقسیم کار، تخصصی شدن امور، و مدرن شدن عرصه‌های زندگی و حوزه‌های آگاهی بشر در جامعه مدرن وظیفه قدیمی دین به طور جدی تهدید شده است (برگر و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۳). در این وضعیت، فرد با دنیایی مواجه می‌شود که در آن نمادها و تعاریف دینی دگرگون و حتی گاهی انکار شده‌اند. این روند به «کاهش نفوذ دین» در جامعه منجر می‌شود. این همان نظریه سکولاریزاسیون برگر است و مضمون آن این است که بین مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون پیوندی ذاتی برقرار است، بدین معنا که اولی لزوماً به دومی منجر می‌شود. او می‌گوید: غرب مدرن افراد بسیاری را به بار می‌آورد که به جهان و زندگی خود بدون تمسک به تفسیری مذهبی می‌نگرند (Berger, 1967: 107-108)

به نقل از نایبی، (۱۳۸۵). به عبارت دیگر، در عصر جدید براساس آموزه‌های مدرنیته دین در قلمرو زندگی خصوصی جای می‌گیرد و فردی شدن و «فردگرایی» مطرح می‌شود. این نوع دین خصوصی شده گرچه ممکن است برای افرادی که آن را انتخاب می‌کنند جنبه‌ای واقعی داشته باشد، اما دیگر قادر نیست نقش پیشین خود (ساختن جهان مشترک) را ایفا کند. نتیجه این چرخش، کثرت‌گرایی و غیردینی شدن است. این کثرت‌گرایی باعث می‌شود که برخلاف گذشته ادیان نتواند از افراد جامعه وفاداری محض طلب کند و تبعیت و پیروی کردن به «امری داوطلبانه» و اختیاری تبدیل می‌شود. در نتیجه، سنت دینی که در گذشته خود را به طرزی آمرانه تحمیل می‌کرد اکنون مجبور است برای خود بازاریابی کند. به عبارت دیگر، محصولات و متاع دین باید به مشتریانی «عرضه» شود که دیگر به نحو ناگزیر «متقاضی» آن نیستند (برگر، ۱۳۶۵: ۶۸). در بازار بحث انتخاب مطرح می‌شود؛ با ورود عنصر «ترجیح» و انتخاب در حوزه دین در عرصه عمومی جامعه تفاسیر متعددی از دین ظهور می‌یابد، «بازار دین» رونق می‌گیرد، و در سطح آگاهی ذهنی افراد «سبک‌های دینداری» پدید می‌آید (برگر و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۸). ما تنوع دینداری دانشجویان را از این نظریه برگر استخراج کردیم.

نیکپی و همکاران (۱۳۸۲) نیز در تحقیقی که در سه شهر تهران، قم، و قزوین به روش کیفی انجام دادند می‌گویند: دینداری پدیده‌ای ویژه فرد است و از تجربه دینی افراد تشکیل شده است. در تجربه دینی چهار عنصر اعتقاد به یک جزم دینی پایه و اصول دینی، ایمان و اعتقاد به یک شخص بنیان‌گذار، اشکال فردی نیایش، و اشکال جمعی نیایش باید جمع باشد تا فرد دیندار شناخته شود. او در نتیجه این تحقیق به هشت نوع دینداری در گرایش‌های جوانان دست یافت: ۱. ضد دینداری (این نوع دینداری در اقلیت است)؛ ۲. غیر دینداری (این نوع دینداری نیز در اقلیت است). ۳. دینداری عوام: جوانانی که به یک سری دگم‌های دینی اعتقاد داشتند، تکالیف دینی را انجام نمی‌دادند، اما در مراسم و شعائر دینی مانند عاشورا شرکت می‌کردند؛ ۴. دینداری ابزاری: جوانانی که اعتقادی به دین نداشتند، اما از دین برای مقاصد سیاسی و اجتماعی خود استفاده می‌کردند؛ ۵. دینداری ترکیبی نوین: این دینداری ترکیبی است از بعضی از اصول شیعه به همراه بعضی اصول بودیسم؛ ۶. دینداری الهیاتی، فقهی، و شریعت‌مدارانه: در این نوع دینداری دین و شریعت مبناست؛ به عبارتی، اگر تضادهایی بین احکام دینی و پدیده‌های اجتماعی به وجود آید، فرد معتقد به این نوع دینداری به نفع شریعت و احکام دینی کنار می‌کشد؛ ۷. دینداری سکولار که به دو قسمت تقسیم می‌شود: الف) دینداری ترکیبی حداکثری که اصول نوین را با اسلام

به همراه اندیشه جامعه‌شناختی ترکیب می‌کند و همه پدیده‌ها را در یک قالب می‌ریزد؛ ب) دینداری ترکیبی حداقلی که دین خود را با اسلام به همراه ایده‌های جدید و بیش‌تر اندیشه‌های لیبرالی ترکیب می‌کند و دین را بر همه اجزای زندگی حاکم نمی‌داند؛ ۸. دینداری لائیک که در این نوع دینداری نیز دو گرایش مطرح است: الف) جدایی دین از سیاست (نوع نگاه فرانسوی) که دین را فارغ از مسائل اجتماعی امری شخصی و فردی می‌پندارد؛ ب) جدایی دین از حکومت (نوع نگاه احزاب دموکرات مسیحی) که در این نوع دینداری اعتقاد بر این است که دین نباید از اجتماع جدا باشد، اما نباید منبع مشروعیت حکومت باشد، دین امری فردی است و مشروعیت حکومت در خرد جمعی است.

نیکپی در نتیجه‌گیری این پژوهش می‌گوید: ما با جوانانی روبه‌رویم که بیش از پیش سکولارند و باید بدانیم که سکولار به معنای ضد‌دین (غیردینی) نیست، بلکه خیلی از سکولارها مؤمن و دیندارند؛ یعنی از لحاظ سنتی در حال گذار به سوی جامعه مدرن‌اند. جوانان دیگر امر دینی را با امر اجتماعی یکسان نمی‌دانند و ما با تنوع دینی و تکثر درک دینی در جوانان روبه‌رویم که برای درک بهتر دین به نهادهای دینی، روحانیت، روشن‌فکران دینی، و ادبیات غیردینی رجوع می‌کنند (نیکپی، ۱۳۸۲).

هم‌چنین در برخی از پژوهش‌های ایرانی تقسیم‌بندی‌های دیگری از انواع دینداری انجام گرفته است (رجب‌زاده، ۱۳۷۹؛ میرسندسی، ۱۳۸۳؛ شایگان، ۱۳۸۶؛ هوشنگی، ۱۳۸۶؛ زارع، ۱۳۹۱) که به‌علت اختصار از بیان سنخ‌شناسی آن‌ها امتناع می‌شود. در این تحقیق، از ترکیب نظریه‌های انواع دینداری وبر، نیکپی، و ملکیان استفاده شد و درنهایت به پنج نوع دینداری (عامیانه، سنتی، متجددانه، سکولار، و لائیک) رسیدیم.

۷. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق عبارت است از:

۱. در بین دانشجویان انواع گوناگون دینداری وجود دارد؛
۲. در بین دانشجویان گرایش‌های گوناگونی به مهاجرت وجود دارد؛
۳. بین میزان تحصیلات (مقطع تحصیلی) دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛
۴. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛

۵. بین نوع دینداری عامیانه دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که، افرادی که دینداری عامیانه دارند گرایش کمتری به مهاجرت دارند؛
۶. بین نوع دینداری سنتی دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که، افرادی که دینداری سنتی دارند گرایش کمتری به مهاجرت دارند؛
۷. بین نوع دینداری متجددانه دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که، افرادی که دینداری متجددانه دارند گرایش بیش تری به مهاجرت دارند؛
۸. بین نوع دینداری سکولار دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که، افرادی که دینداری سکولار دارند گرایش بیش تری به مهاجرت دارند؛
۹. بین نوع دینداری لائیک دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که، افرادی که دینداری لائیک دارند گرایش بیش تری به مهاجرت دارند.

۸. تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها

متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش به ترتیب زیر تعریف و اندازه‌گیری شده‌اند:

۱۸ گرایش به مهاجرت

مهاجرت در مفهوم عام یعنی ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به‌طور دائم یا موقت (بهنام، ۱۳۵۴: ۱۲۶). در پژوهش حاضر متغیر وابسته گرایش به مهاجرت است؛ هرچند گرایش عاملی ذهنی است، اما دارای تأثیری عینی و واقعی است. بنابراین، جامعه‌شناسان از طریق سنجش گرایش اعضای جامعه رفتار آنان را توصیف و پیش‌بینی می‌کنند. از آن‌جا که تعداد قابل توجهی از دانشجویان در آینده به نیروی متخصص و ماهر تبدیل خواهند شد، گرایش دانشجویان به خروج از کشور را با تسامح می‌توان در چهارچوب مفهوم مهاجرت نخبگان قلمداد کرد که در آن منظور از گرایش آمادگی فکری، عاطفی، و رفتاری برای انجام یک کار است (Baron, 1997: 112) به نقل از جواهری و

سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۹). معرف‌هایی که برای سنجش این متغیر به‌کار گرفته می‌شود رفتارهای عینی قابل مشاهده است.

برای سنجش این متغیر گویه‌هایی در پرسش‌نامه قرار گرفته است که نظر و حالت ذهنی فرد درباره موضوع را می‌سنجد. این گویه‌ها در مطالعه حاضر گرایش به مهاجرت را در نوعی مقیاس پنج‌رتبه‌ای بررسی می‌کند. از این رو، می‌توان معانی زیر را در سنجش آن به‌کار گرفت: داشتن احساس مثبت به مهاجرت، داشتن اشتغال فکری به مهاجرت، داشتن تمایل درونی برای مهاجرت، داشتن تصمیم قاطعانه برای مهاجرت، و تحمل هرگونه سختی و ناملایمت برای مهاجرت. از آن‌جا که دانشجویان مورد مطالعه این تحقیق در زمان تحقیق در آستانه تصمیم‌گیری برای اقدام به مهاجرت نبودند، موضوع گرایش به مهاجرت با عطف به موقعیت‌های آینده بررسی شده است. در واقع گرایش افراد براساس انگیزه آنان اندازه‌گیری شده است. گرایش به مهاجرت با این پرسش ارزیابی شده است که «اگر پس از فراغت از تحصیل امکان اشتغال و اقامت در کشور دیگری برایتان پیش بیاید، چه تصمیمی خواهید گرفت؟»

۲۸ دینداری عامیانه

دینداری عامیانه (popular religious) گوهر دین را در فقه و ایدئولوژی می‌بیند. به‌عبارتی، دغدغه‌های این نوع دینداری بیش‌تر مناسک و اعتقادات دینی است و می‌توان گفت تمرکز و اعتقاد این نوع دینداران به یک‌سری دگم‌های دینی است بی‌آن‌که به ارزش‌های دینی توجه کنند (نیک‌پی، ۱۳۸۲).

شاخص‌های این نوع دینداری بدین‌قرار است: الف) اعتقاد به خرافات و امور موهوم؛ ب) موروثی بودن پذیرش دین؛ ج) توجه ویژه به مراسم و شعائر عامه‌پسند؛ د) دوری از عقلانیت؛ ه) استخراج عقاید دینی از میان رفتار توده‌ها و بی‌توجهی به متون دینی.

۳۸ دینداری سنتی (شریعت‌مدارانه)

در این نوع دینداری دین و شریعت مبناست؛ یعنی اگر تضادهایی بین احکام دینی و پدیده‌های اجتماعی به‌وجود آید، دینداران به نفع شریعت و احکام دینی حکم می‌کنند. در

این نوع دینداری، فقه «تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است». فقه جامع قوانین سعادت دنیا و عقبی است و تمامی قوانین زندگی عادلانه و کامل در فقه وجود دارد. در این قرائت، حکومت دینی یعنی حکومت احکام فقهی. هیچ مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، و ... وجود ندارد که «حکم» آن در فقه روشن نباشد. قرآن و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. همه آن چه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت وجود دارد، در این شکی نیست (آیت الله خمینی، ۱۳۶۱: ۲۱).

شاخص های این نوع دینداری بدین قرار است: الف) حکومت اسلامی یعنی حکومت احکام فقهی؛ ب) ارزش عقل استدلال گر فقط برای کشف و استخراج حقایق از دل کتاب و سنت است؛ ج) با تکثرگروی (پلورالیسم) دینی مخالف است؛ د) به دینداری باواسطه (روحانیت) معتقد است؛ ه) دین را فقط برآورنده نیازهای معنوی می بیند.

۴۸ دینداری متجددانه

می توان گفت که دینداران تجددگرا کسانی اند که به کتاب و سنت با دید تجددگرایانه می نگرند و بدین لحاظ به آنان می توان نواندیش دینی گفت (ملکیان، ۱۳۸۵: ۳۹۶). در نواندیشی دینی، کشف حقیقت از درون متون مقدس دینی و مذهبی انجام می گیرد؛ آن هم با رویکرد تجددگرایانه (همان: ۳۹۸). دینداران متجدد در راه کشف حقیقت از عقل و یافته های بشری استفاده می کنند و عقل استدلال گر را نه فقط ابزار کشف و استخراج حقایق کتاب و سنت می دانند، بلکه منبعی در کنار دو منبع کتاب و سنت می انگارند. از این مهم تر، درصددند که برای اثبات حجیت و واقع نمایی کتاب و سنت نیز از عقل استمداد کنند. از این گذشته، حتی می خواهند با یافتن اغراض و غایات احکام و تعالیم دینی و مذهبی التزام به آنها را نیز از سلف تعبد خارج کنند و امری عقلایی جلوه دهند و به محض این که اندک تعارضی میان ظواهر آیات و روایات با یافته های عقلی احساس کنند آیات و روایات را از ظاهرشان عدول می دهند و تأویلشان می کنند و از این نظر، عقل گرا و تا آنجا که مقدور است آزاداندیش و تعبدگریزند (ملکیان، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

شاخص های این نوع دینداری بدین قرار است: الف) توجه به عقلانیت و یافته های بشری در توجیه دین و دینداری؛ ب) بیزاری از خشونت دینی و قهر و اجبار در دین و اعتقاد به مدارا و تساهل در دین؛ ج) باور به این که دین اداره جامعه را به عقل و تجربه

بشری واگذار کرده است؛ د) تأکید بر روح پیام اسلام، نه بر ظواهر آن؛ ه) دفاع از تمدن غرب متجدد و در بسیاری از مواضع از فرهنگ آن؛ به طوری که این تمدن و فرهنگ را در برآوردن نیازهای دنیوی و مادی موفق می‌بینند که دین متکفل آن‌ها نیست.

۵۸ دینداری سکولار

مسلمانانی که در پی تفکیک دین از سیاست و دیگر حوزه‌های زندگی عمومی‌اند سکولار خوانده می‌شوند (Sheperd, 1987: 309). نیک‌پی نیز دینداری سکولار را نوعی دینداری می‌داند که شخص درک خود از دین را با ایده‌های جدید و بیش‌تر اندیشه‌های لیبرالی ترکیب می‌کند و دین را بر همه اجزای زندگی حاکم نمی‌داند (نیک‌پی، ۱۳۸۲). شاخص‌های این نوع دینداری بدین‌قرار است: الف) اعتقاد به تفکیک دین از سیاست؛ ب) ترکیب دین با ایده‌های جدید مدرنیته و اندیشه‌های لیبرالی؛ ج) عقل استدلال‌گر را ابزار مستقل شناخت می‌داند؛ د) در حوزه عمومی احکام شریعت را قابل اجرا نمی‌داند؛ ه) به حکومت غیردینی معتقد است؛ و) اعتقاد به تکثرگرایی دینی دارد؛ ز) تمدن و فرهنگ را در برآوردن نیازهای دنیوی و مادی موفق می‌بیند که دین متکفل آن‌ها نیست؛ ح) اهل تساهل و تسامح است؛ ط) تدین را بیش و پیش از هر چیز در اخلاقی‌زیستن می‌بیند، آن هم اخلاقی این جهانی، انسان‌گرایانه، و احساساتی؛ ی) اعتراض به اقتدار روحانیت بر دین و دینداری دارد و خواهان ارائه تفسیرهای مطابق نظر و رأی خود از دین است.

۶۸ دینداری لائیک (لائیسیته)

دینداران لائیک به جدایی جامعه مدنی و دولت (حاکمیت) معتقدند و خواهان آن‌اند که دین از حاکمیت سیاسی خارج شود و دولت از هیچ دینی پیروی نکند (رهایش حاکمیت و بخش عمومی از قیمومیت و مرجعیت دین) (وثیق، ۱۳۸۷). این نوع دینداران معتقدند که حاکمیت باید در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی افراد براساس ایده جامعه مدنی عمل کند؛ یعنی جامعه از همه آزادی‌ها برخوردار باشد و دین هیچ قدرت سیاسی‌ای در عرصه عمومی اعمال نکند.

شاخص‌های این نوع دینداری بدین‌قرار است: الف) اعتقاد به جدایی دولت (حاکمیت) از دین و کلیسا (هم دولت کاملاً مستقل از دین است و هم دین از دولت)؛ ب) اعتقاد به جدایی حوزه عمومی از دین (حوزه عمومی از هیچ دینی پیروی نکند)؛ ج) متمایل به تحقق

اصول و بنیان‌های مدرنیته در جامعه؛ د) مخالف کلیسای سالاری و به‌طور کل دین‌سالاری (اما نه دین‌ستیز و ضد‌مذهب)؛ ه) اعتقاد به تکثرگرایی دینی (تضمین آزادی ادیان) و رواداری (هم‌زیستی آزادانه اعتقادات).

۷.۸ دینداری ترکیبی

این نوع دینداری در پژوهش‌های قبلی دربارهٔ ادیان گوناگون مطرح بوده است. بر این اساس، دینداری ترکیبی نوعی دینداری است که از ترکیب دو یا چند دین ایجاد می‌شود.

در اسلامیت و جوهی از ایرانیت را می‌بینیم، و در چین، بودیزم، تائوایزم، و کنفوسیونیزم به هم پیوند خورده است و در ژاپن، شینتوایزم و بودیزم. ادیان آفریقایی – امریکایی یعنی نوعی مسیحیت آفریقایی شده همگی نمونه‌های خوبی برای نشان‌دادن این ترکیب‌اند (شریعتی، ۱۳۷۶: www.aftabnews.ir).

اما دینداری مطرح‌شده در این تحقیق ترکیب و هم‌راهی دو یا چند نوع دینداری درون یک فرد است. به‌عبارتی، نوعی دینداری است که از ترکیب دو یا چند نوع دینداری ایجاد می‌شود. این دینداران افرادی‌اند که شاخص‌های دو یا چند نوع دینداری آنان در بالاترین حد قرار دارد؛ یعنی اگر فردی در دو نوع دینداری دارای امتیاز بالای یکسانی بود، دینداری او ترکیبی از آن دو نوع دینداری است.

۹. یافته‌های تحقیق

در این قسمت نخست مشخصات نمونه را توصیف می‌کنیم، آن‌گاه مهم‌ترین یافته‌های توصیفی تحقیق و سپس یافته‌های تبیینی تحقیق را مطرح می‌کنیم:

۱.۹ مشخصات دانشجویان

براساس داده‌های تحقیق، از ۳۲۱ نفر نمونه ۶۲٪ زن و ۳۸٪ مردند. بیش‌تر پاسخ‌گویان در گروه سنی زیر ۲۵ سال‌اند (۵/۵۴٪) و کم‌ترین درصد متعلق به افراد بیش‌تر از ۳۰ سال (۸/۶٪) است و میانگین سنی دانشجویان ۲۴/۵۱ است. محل تولد ۸۸٪ دانشجویان شهر و ۱۲٪ آنان روستاست. محل سکونت دائمی ۲۴/۳٪ دانشجویان تهران، ۶۹/۷٪ دانشجویان

۶۲ بررسی رابطه انواع دینداری و گرایش به مهاجرت خارج از کشور ...

شهری به جز تهران، و ۶٪ دانشجویان روستاست. ۹۰٪ دانشجویان مجرد و ۱۰٪ متأهل اند. ۱۶/۴٪ دانشجویان شاغل و ۸۳/۶٪ بیکارند. ۵۷/۸٪ دانشجویان فارس، ۱۴/۹٪ کرد، ۱۴/۲٪ آذری، ۴/۶٪ لر، و ۹/۵٪ باقی مانده به اقوام دیگر تعلق دارند.

۲.۹ رابطه متغیر زمینه‌ای با گرایش به مهاجرت

جدول ۱. رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مهاجرت

شدت هم‌بستگی و شدت معناداری	متغیر	ردیف
V=0.141 * Sig:0.044	جنسیت	۱
V=0.009 Sig:0.920	سن	۲
V=0.002 Sig:0.983	تحصیلات	۳
V=0.027 Sig:0.853	محل سکونت	۴
V=0.012 Sig:0.978	وضعیت تأهل	۵
V=0.171 * Sig:0.020	درآمد	۶
V=0.027 Sig:0.893	محل تولد	۷

براساس نتایج جدول فوق، می‌توان گفت بین جنسیت افراد و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به داده‌ها می‌توان گفت بین سن، تحصیلات، و محل سکونت دائمی افراد و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود ندارد. هم‌چنین می‌توان گفت بین محل تولد و وضعیت تأهل افراد و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود ندارد، اما براساس نتایج فوق باید گفت بین درآمد خانواده افراد و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

اطلاعات به‌دست‌آمده حاکی از آن است که از بین تمامی خصوصیات فردی دانشجویان، جنسیت و درآمد خانواده با گرایش به مهاجرت رابطه معناداری دارند.

۳.۹ فرضیه اول تحقیق

- بین دانشجویان انواع گوناگون دینداری وجود دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی مشاهده شده انواع دینداری

نوع دینداری	فراوانی	درصد
عامیانه	۹	۲/۸
ستی	۱۰۹	۳۴/۰
متجددانه	۷۵	۲۳/۴
سکولار	۶۸	۲۱/۲
لانیسته	۵۳	۱۶/۵
ترکیبی	۷	۲/۲
جمع	۳۲۱	۱۰۰

براساس آمار به دست آمده، انواع گوناگونی از دینداری بین دانشجویان دیده می شود. در جامعه مورد بررسی دینداری ستی و پس از آن دینداری متجددانه از جمعیت بیش تری برخوردار بوده است. دینداری سکولار نیز پس از آن فراوانی بیش تری نسبت به دیگر دینداری ها داشته است و دینداری های عامیانه و ترکیبی در پایین ترین رتبه قرار دارند.

۴.۹ فرضیه دوم تحقیق

- بین دانشجویان گرایش های گوناگونی به مهاجرت وجود دارد.

جدول ۳. اگر پس از فراغت از تحصیل امکان اشتغال و اقامت در کشور دیگری برایتان پیش بیاید،

چه تصمیمی خواهید گرفت؟

درصد	درصد خالص	درصد	فراوانی	
گرایش کم ۱۸/۱	۸/۴	۸/۴	۲۷	اصلاً نخواهم رفت.
	۹/۷	۹/۷	۳۱	حتی الامکان نخواهم رفت.
گرایش متوسط ۶۳/۱	۳۱/۶	۳۱/۵	۱۰۱	بستگی دارد به کشورش.
	۷/۸	۷/۸	۲۵	در صورت بیکاری می پذیرم.
	۱۰/۳	۱۰/۳	۳۳	در صورت نبود شغل مورد علاقه در کشور می پذیرم.

۶۴ بررسی رابطه انواع دینداری و گرایش به مهاجرت خارج از کشور ...

	۱۳/۴	۱۳/۴	۴۳	نمی دانم.
گرایش زیاد ۱۸/۸	۱۸/۸	۱۸/۷	۶۰	بدون درنگ می پذیرم.
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۹۹/۷	۳۲۰	جمع
		۰/۳	۱	بی پاسخ
		۱۰۰/۰	۳۲۱	جمع

حدود ۱۸ درصد پاسخ گویان به فرصت های شغلی و اقامتی به وجود آمده در خارج از کشور گرایشی ندارند، ۱۸/۸ درصد پاسخ گویان بدون درنگ آن را می پذیرند و گرایش بسیاری به مهاجرت دارند، و حدود ۶۳ درصد از دانشجویان مهاجرت را به شرط گوناگونی، مانند مشخص شدن کشور مقصد، در صورت اطمینان از بیکاری، و در صورت نبود شغل مورد علاقه در کشور خود، موکول کرده اند.

۵.۹ فرضیه سوم تحقیق

- بین میزان تحصیلات (مقطع تحصیلی) دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴. رابطه بین میزان تحصیلات افراد و گرایش آنان به مهاجرت از کشور

جمع	تحصیلات			گرایش افراد به مهاجرت از کشور	
	دکتر	فوق لیسانس	لیسانس	فراوانی	پایین
۷۱	۲	۴۰	۲۹	فراوانی	پایین
۲۲/۷	۳۳/۳	۲۴/۸	۱۹/۹	درصد	
۱۴۶	۲	۶۸	۷۶	فراوانی	متوسط
۴۶/۶	۳۳/۳	۴۲/۲	۵۲/۱	درصد	
۹۶	۲	۵۳	۴۱	فراوانی	بالا
۳۰/۷	۳۳/۳	۳۲/۹	۲۸/۱	درصد	
۳۱۳	۶	۱۶۱	۱۴۶	فراوانی	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	درصد	

با توجه به جدول فوق می‌توان گفت بین میزان تحصیلات افراد و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود ندارد.

۶.۹ فرضیه چهارم تحقیق

- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵. رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور

جمع	پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد			گرایش افراد به مهاجرت از کشور	
	بالا	متوسط	پایین		
۵۸	۵	۳۷	۱۶	فراوانی	پایین
۲۱/۰	۹/۳	۲۴/۷	۲۲/۲	درصد	
۱۳۲	۳۰	۶۹	۳۳	فراوانی	متوسط
۴۷/۸	۵۵/۶	۴۶/۰	۴۵/۸	درصد	
۸۶	۱۹	۴۴	۲۳	فراوانی	بالا
۳۱/۲	۳۵/۲	۲۹/۳	۳۱/۹	درصد	
۲۷۶	۵۴	۱۵۰	۷۲	فراوانی	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	درصد	

با توجه به جدول فوق می‌توان گفت بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود ندارد.

۷.۹ فرضیه پنجم تا نهم تحقیق

- بین نوع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶. رابطه بین نوع دینداری افراد و گرایش آنان به مهاجرت

جمع	فراوانی و درصد نوع دینداری افراد						گرایش افراد به مهاجرت از کشور	
	ترکیبی	لائیک	سکولار	متجددانه	سستی	عامیانه		
۷۱	۰	۸	۷	۱۴	۳۸	۴	فراوانی	پایین
۲۲/۶	۰/۰	۱۵/۴	۱۰/۶	۱۹/۲	۳۵/۲	۵۰/۰	درصد	

۱۴۷	۱	۲۰	۳۶	۳۸	۵۲	۰	فراوانی	متوسط
۴۶/۸	۱۴/۳	۳۸/۵	۵۴/۵	۵۲/۱	۴۸/۱	۰/۰	درصد	
۹۶	۶	۲۴	۲۳	۲۱	۱۸	۴	فراوانی	بالا
۳۰/۶	۸۵/۷	۴۶/۲	۳۴/۸	۲۸/۸	۱۶/۷	۵۰/۰	درصد	
۳۱۴	۷	۵۲	۶۶	۷۳	۱۰۸	۸	فراوانی	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	درصد	

براساس نتایج جدول فوق می‌توان گفت بین نوع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد. شایان ذکر است با توجه به مقدار آزمون کرامر به دست آمده شدت هم‌بستگی بین دو متغیر در حد متوسط است. براساس جدول فوق، بیش‌ترین گرایش به مهاجرت خارج از کشور (گرایش بالا و متوسط) بین دانشجویانی است که به ترتیب نوع دینداری آن‌ها ترکیبی، سکولار، لائیک، متجددانه، سنتی، و عامیانه است.

۱۰. نتیجه‌گیری

مهاجرت موضوعی اجتماعی است که متغیرهای بسیاری در اوضاع و احوال متفاوت در آن تأثیر می‌گذارند. در این تحقیق، نظریه‌های صاحب‌نظرانی که فرضیه‌های تحقیق از دیدگاه‌های آنان استخراج شده بود در اکثر موارد تأیید شد. گرچه سطح دینداری در جامعه ایرانی بالاست، اما ما با «سبک‌های دینداری» مواجه‌ایم. براساس یافته‌های تحقیق، شش نوع دینداری در جامعه آماری (دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی) یافت شد که عبارت است از: عامیانه، سنتی، متجددانه، سکولار، لائیک، و ترکیبی. دینداری عامیانه در مجموع اندک بود (۲/۸ درصد)، اما دینداری سنتی با بیش‌ترین تعداد (۳۴ درصد) در میان دانشجویان این دانشگاه وجود داشت. دینداری متجددانه (۲۳/۴ درصد) و دینداری سکولار (۲۱/۲ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. دینداری لائیک (۱۶/۵ درصد) و در نهایت دینداری ترکیبی (۲/۲ درصد) نیز در میان دانشجویان مشاهده شد. شایان ذکر است که این انواع با گونه‌شناسی نیک‌پی (۱۳۸۴) قرابت و هم‌خوانی بسیاری دارد.

نتایج تحقیق نشان داد که میزان گرایش دانشجویان به مهاجرت متوسط رو به بالاست، به طوری که ۴۶/۸ درصد دارای گرایش متوسط و ۳۰/۶ درصد دارای گرایش بالا بوده‌اند. براساس داده‌های تحقیق، بین جنسیت دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور

رابطه معناداری وجود دارد، اما شدت رابطه بین دو متغیر در حد ضعیف است. میزان تحصیلات دانشجویان (مقطع تحصیلی) در گرایش آنان به مهاجرت تأثیر نداشته است. بین محل تولد دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، بین محل سکونت دائمی افراد و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود ندارد. بین وضعیت تأهل دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور نیز رابطه معناداری وجود ندارد. هم‌چنین، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود ندارد. بین میزان امید افراد به آینده اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد و رابطه بین متغیرها معکوس است.

یافته‌ها بیان‌گر آن است که دینداری سنتی دانشجویان در مهاجرت آنان تأثیر دارد و رابطه بین دو متغیر معکوس است. هم‌چنین، بین دینداری متجددانه، سکولار، و لائیک دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد و رابطه بین متغیرها مستقیم است. بین دینداری عامیانه دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به نقش کلیدی نیروی انسانی متخصص در توسعه اقتصادی پایدار، پدیده مهاجرت مغزها برای کشورهای در حال توسعه ضایعه بزرگی است که باید برای جلوگیری از پیشرفت آن بدون دفع وقت اقدام کرد. آنچه باعث می‌شود مهاجرت متخصصان به بحران بزرگی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شود برخورد انفعالی با این مسئله است، چراکه منابع انسانی بنا به اذعان کارشناسان اقتصادی و سیاسی مهم‌ترین سرمایه هر کشور است.

هم‌چنان که نتایج نشان می‌دهد نوع دینداری دانشجویان در گرایش آنان به مهاجرت تأثیر داشته است. با توجه به نظریه سرمایه بومی داوانزو، که مبنای نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد، دین سرمایه‌ای بومی است که انتقال آن به کشوری دیگر و نیز یافتن جانشینی برای آن در جامعه جدید امری دشوار است. بنابراین، میزان بهره‌مندی افراد از دین با گرایش آنان به مهاجرت رابطه‌ای معکوس دارد. به طوری که هر چه افراد بهره بیشتری از دین داشته باشند، کم‌تر گرایش به مهاجرت دارند، اما براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که بین نوع دینداری افراد و گرایش دانشجویان به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد؛

بدین معنا که هر چه نوع دینداری دانشجویان از سنتی به سکولار تغییر می‌کند، گرایش آنان به مهاجرت افزایش می‌یابد.

کتاب‌نامه

- آیت‌الله خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۱). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بی‌بی، ارل (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- برگر، پیتر و دیگران (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان؛ نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۴). جمعیت‌شناسی عمومی، تهران: دانشگاه تهران.
- پورسلطان، کرامت (۱۳۷۴). «ایرانیان کارآفرین در امریکا»، گزارش، ش ۵۶.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دین، تهران: سخن.
- توسلی، غلام‌عباس و ابوالفضل مرشدی (۱۳۸۵). «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۴.
- جعفری معطر، فریدون (۱۳۸۷). مهاجرت نخبگان، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جعفری‌نیا، غلامرضا و محمد بذرافشان (۱۳۹۰). «بررسی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت؛ مطالعه موردی شهر ایلام»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۸، ش ۲.
- جواهری، فاطمه و حسین سراج‌زاده (۱۳۸۴). «جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، س ۱۳، ش ۵۰ و ۵۱.
- د و اس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیادین حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- زارع، سعید (۱۳۹۱). «مطالعه سطح و انواع دینداری دانشجویان دانشگاه‌های شهر قم»، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). مهاجرت، تهران: سمت.
- سراج‌زاده، سیدحسین و سیروس صابر (۱۳۸۳). «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۱، ش ۴.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). «اصناف دین‌ورزی»، کیان، ش ۵۰.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). سیاست‌نامه، تهران: نشر صراط.

- شایگان، فریبا (۱۳۸۶). «بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی»، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۵). *دین عامه، دین خاموش، دین پنهان*، <www.aftabnews.ir>.
- شریفی، منصور (۱۳۷۶). «بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به مهاجرت از کشور»، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فورست، اینگر (۱۳۹۰). «دین در حوزه عمومی»، ترجمه مجید جعفریان، *هفت آسمان*، ش ۴۹.
- قاسمی، وحید و مهری قربانیان (۱۳۸۹). «تحلیل تطبیقی تأثیر مهاجرت در سطح دینداری و اولویت‌های ارزشی دختران و پسران»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، س ۱۲، ش ۴۷.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز: نوید.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۸). «اسلام و لیبرالیسم»، *کیان*، ش ۴۸.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). *مشتاقی و مهاجرتی*، تهران: نگاه معاصر.
- منصوری، رضا (۱۳۷۰). «نگرش بر وضعیت تحقیقات در ایران»، *فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی*، ش ۱.
- موحد، مجید و صغری نیازی (۱۳۸۷). «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان»، *پژوهش زنان*، دوره ششم، ش ۱.
- میرسنده‌سی، سیدمحمد (۱۳۸۳). «مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نایی، هوشنگ و تقی آزادارمکی (۱۳۸۵). «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، ش ۳.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۷). «غرب‌نشینی ایرانیان، با نگاهی به مسئله اجتماعی مهاجران ایرانی در سوئد»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، س ۳، ش ۵.
- نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۹۱). *راهنمای عملی آماده‌سازی طرح تحقیق در روش پیمایش*، تهران: نشر علم.
- نیک‌پی، امیر (۱۳۸۲). «دینداری مدرن، دینداری حاکم بر جوانان ایرانی»، <<http://www.isa.org.ir>>.
- وبر، ماکس (۱۳۸۹). *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- وثیق، شیدان (۱۳۸۷). *لائسیسته چیست؟*، تهران: اختران.
- ویلسون، برایان (۱۳۷۷). *دین، این‌جا و اکنون* (مجموعه مقالات)، ترجمه مجید محمدی، تهران: نشر قاره.
- هوشنگی، طیبیه (۱۳۸۶). «بررسی رابطه انواع دینداری و ابعاد نظام شخصیت در شهر قم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Baron, Robert A. (1997). *Social Psychology*, USA: A Viacom Company.

Berger, Peter L. (1967). *Sacred Canopy; Elements of a Sociological Theory of Religion*, New York: Doubleday.

Curran, Sara R. and E. Stela Rivero Fuentes (2003). 'Engendering Migration the Case of Mexican Migration', *Demography*, 40 (2).

- Da Vanzo, J. (1981a). 'Microeconomic Approaches to Studying Migration Decisions', *Migration Decision Making: Multidisciplinary Approaches to Microlevel Studies in Developed and Developing Countries*, New York: Pergamon Press.
- Da Vanzo, J. (1981b). 'Repeat Migration, Information Costs and Location-Specific Capital', *Population and Environment*, Vol. 4.
- Kontuly, Thomas, Ken R. Smith, and Tim B. Heaton (1995). 'Culture as a Determinant of Reasons for Migration', *The Social Science Journal*, Issue 2, Vol. 32.
- McGuire, Meredith B. (1997). *Religion: The Social Context*, Belmont, CA: Wabsworth Publishing Company.
- Myers, S. (2000). 'Impact of Religious Involvement on Migration', *Social Forces*, 79 (2).
- Olsen, Henrik (2002). *Migration, Return and Development*, Prepared for the Center for Development Research Study, Migration-Development Links.
- Sheperd, William E. (1987). 'Islam & Ideology: Toward a Typology', *International Journal of Middle East Studies*, 19 (3).
- Strak, Oded (2002). 'The Economics of Brain Drain Turned of its Head', University of Vienna and University of Bonn, Center for Development Research, NO. 100.
- Yinger, J. Milton (1970). *The Scientific Study of Religion*, New York: Macmillan.